

لطف هاي نهفته در عيد فطر (1)

<?xml encoding="UTF-8">

عيد آمد و خوش آمد، دلدار دلکش آمد
هر مرده اي زگوري برجست و پيشش آمد
دل را زبان ببايد تا جان به چنگش آرد
جان پاکشان ببايد کان يار سرکش آمد
جان غرق شهد و شکر از منبع نباتش
مه درميان خرمن زان ترک مه وش آمد
خاک از فروغ نفخش (1) قبله فرشته آمد
کآب از جوار آتش، هم طبع آتش آمد
جان و دل فرشته، جفت هواي حق شد
گردون فرشتگان را زان روي مفرش (2) آمد
اي هوشمند گوشي، کاو را کشيد دستش
وي روسپيد رويي کز وي مخمش (3) آمد(4)
مفهوم شناسي دو واژه «عيد» و «فطر»

عيد در لغت، از ماده «عود» به معنای بازگشت است. برهمن اساس، به روزهايي که مشکلات، از قوم و جمعيتي برطرف مي شود، و در آن روز، به پيروي ها و راحتی هاي نخستين باز مي گردند، عيد گفته مي شود. عيد فطر، به مناسبت اينکه در پرتو اطاعت یک ماهه در ماه مبارک رمضان، صفا و پاكي فطري نخستين، به روح و جان باز مي گردد، و آلودگي هايي که بر خلاف فطرت بوده، پاک مي شود، عيد نام گرفته است. در روايتي از حضرت علي (ع) آمده است. «کل يوم لا يعصي الله فيه فهو يوم عيد؛ هر روز که در آن، معصيت خدا نشود، روز عيد است.» (5) اين روايت نيز به همين موضوع اشاره دارد؛ زيرا روز ترک گناه، روز پيروي و پاكي و بازگشت به فطرت نخستين است. (6) آيت الله ميرزا ملكي تبريزي در اين باره مي نويسد: « بدان که عيد، عبارت از وقتي است که خداوند از بين ايام، برگزيده است تا به بندگان جوايز و انعام بخشد؛ و آنان براي گرفتن خلعت ها و عطايا اجتماع کنند. و اجازه داده شد که در برابر پروردگار حضور يابند و در درگاه او اظهار مسکنت و خواري نمايند و به بندگي اعتراف، و از گناهان استغفار و طلب آمرزش کنند. حاجات خود را عرضه بدارند و آرزوهاي خود را بازگو نمايند. و خداوند اميدوار ساخته است که بالاتر از آرزويشان و فراتر از آنچه به دل هایشان خطور مي کند، به آنها عطا فرمايد: از اين رو دوست دارد که آنها نسبت به پروردگارشان خوش گمان بوده، پندار نيك داشته باشند، و اميدواري به قبول او و آمرزش او داشته باشند، و بخشش او را بر عذاب او ترجيح دهند. و نااميد و زيان کار، آن کس [است] که در مانند چنين روزي از معنای عيد غافل شود. و از امور مهم اين روز که طلب عطوفت و رحمت از ساحت قدس حضرت رب العالمين است، خود را باز دارد. به هر حال، خداوند منان، ماه رمضان را ماه مسابقه در عبادت خود قرار داده، و روز عيد، بندگان خود را براي گرفتن جايزه ها و عطيه ها دعوت فرموده است. » (7) و چون روز عيد در شريعت

برای سرور و شادی قرار داده شده است. لذا نام عید برای هر روزی که مسرت در آن باشد، به کار می رود. و در حدیثی آمده است که «روز فطر، عید قرار داده شده تا برای مسلمین، مرکز اجتماعی باشد که در آن روز گرد هم آیند، سپس حمد خدای را برای نعمتی که برایشان ارزانی داشته شده به جای آورند.» (8) واما در باره مفهوم واژه «فطر» گفته شده است: «فطر در لغت، از جمله به معنای گشودن روزه است که واژه افطار از همین ریشه گرفته شده است. مردم در آن روز افطار می کنند، و شرعاً روزه گرفتن در روز عید فطر حرام است. و عید فطر، یکی از سه عید بزرگ مسلمانان است که در سراسر کشورهای اسلامی و در میان مسلمانان کشورهای دیگر جهان، با مراسم خاص دینی و عرفی، هر منطقه برگزار می شود.» (9)

واپسین لحظه های ماه مبارک رمضان

... و امروز، آخرین روز ماه مبارک رمضان است و آخرین افطار. صدای بال فرشتگان برای برچیدن سفره ماه مبارک رمضان به گوش می رسد؛ و اولیای الهی، ناخرسند از این برچیدن، و فرشتگان، شرمنده از ناخرسندی دوستان خدا. یک ماه، بخت با روزه داران یار بوده و آنان را بر خوان گسترده «ضیافت الله» نشانده و به مهمانی نور و لبخند برده است؛ و اکنون گرچه این سفره را بر می چینند و وعده آن را به سال دیگر می دهند، باید عید گرفت آن همه مهمان نواری های یک ماهه، و آن همه پذیرایی های ویژه شبانه روزی را، یادش به خیر! از کیمیاگری ماه مبارک رمضان که لحظه لحظه عمر ما را در این یک ماه، زرین کرده بود، نفس هایمان را به رنگ تسبیح در آورده و خوابمان را هم سنگ عبادت ساخته بود. (10) ریزش نعمت بود و سرریز مائده های آسمانی. میزبان، همانند ماه های دیگر، سخت گیری نمی کرد برای اجابت دعاها مان شرط و شروط نمی گذاشت. بلکه به کمترین عبادت، بیشترین پاداش را وعده می داد. میزبانمان، هیچ ماهی همانند این ماه، به دنبال بهانه نبود تا ما را ببخشد، به ما رو کند و دستمان را بگیرد. حتی خواب خوش بنده روزدار را به بهانه ماه رمضان، عبادت به شمار می آورد، و به مناسبت این ماه مبارک، هزاران هزار بنده را - از زنده و مرده - از آتش دوزخ می رهند. او اشک هایمان را در این ماه، بیش از هر زمان دیگر بها می داد، و ناله هایمان را بی درنگ پاسخ می گفت. او در این ماه، به جوان ها، بیشتر نگاه می کرد و بیش از بقیه هوایشان را داشت؛ چراکه قلب آنها پاکیزه تر، دل آنها ملکوتی تر، و موفقیتشان در خودسازی و تهذیب نفس، در این سن بیشتر است، به تعبیر امام راحل ما (رحمه الله) «قلب جوان، لطیف و ملکوتی است، و انگیزه های فساد در آن ضعیف می باشد. شما تا جوان هستید می توانید کاری انجام دهید؛ تا نیرو و اراده جوانی دارید می توانید هواهای نفسانی و خواسته های حیوانی را از خود دور سازید، ولی اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود نباشید، دیگر در پیری، کار از کار گذشته است. تا جوانید فکری کنید؛ نگذارید پیر و فرسوده شوید.» (11) برای اصلاح نفس، ایام جوانی، سزاوارتر است؛ زیرا که هم اراده قوی تر است، و هم کدورت و ظلمت نفس، کمتر است، و به فطرت نزدیک تریم و هم بار معصیت، زیاد نشده که جبران آن مشکل باشد، جوانان قدر ایام جوانی را بدانند و این نعمت بزرگ را با غفلت نگذرانند، که در ایام پیری، اصلاح نفس، بسیار مشکل است. (12)

باری؛ پروردگارمان، به جوانی که در این ماه، چشمانش از شوق و از خوف الهی لبریز از اشک می شد، به فرشتگان فخر می فروخت و به آنان می فرمود: بنده جوان مرا ببینید به آستان ما روی آورد و...

وداع با ماه مبارک رمضان

يکي از آداب ماه مبارک رمضان، وداع با اين ماه عزيز در پايان آن است. آيت الله ملکي تبريزي در اين باره مي نويسد:

«بدان که زمان و مکان، گرچه از نگاه ظاهر، بي جان هستند، داراي حيات و شعور مي باشند، و حتي از حب و بغض برخوردار هستند. و چون زمان، داراي ادارک، حيات و شعور مي باشد، دستور داده شده است که با ماه رمضان خداحافظي و وداع نماييد. در اين باره چيزي که اهميت دارد اين است که شخص وداع کننده، در سخنانی که بر زبان مي آورد، صادق باشد و راست بگويد، تا ماه رمضان او با دروغ و نفاق پايان نيابد؛ چرا که در بخشي از جمله هايي که براي وداع - از سوي اهل بيت (ع) آمده است مي گوييم:

«سلام بر تو اين هم نشيني که دوري ات ناپسند و ناگوار است» و به خداوند مي گويي: «ما ماه رمضان را وداع مي کنيم درحالي که وداع او بر ما گران بوده، ما را غمگين نموده، و رفتن او موجب وحشت ما شده است.» و چنين وداعي، شکل راست و درست به خود نمي گيرد مگر براي کسي که ماه رمضان را با شوق و محبت به پايان رسانده باشد، نه با تکلف و کراهت. و همچنين چنين وداعي، براي کسي که در ماه رمضان، با آنچه اين ماه، اقتضا مي کرد، رفتاري مخالف داشت درست نيست؛ زيرا او در حقيقت رفيق و هم نشين با ماه مبارک رمضان نبوده، تا اکنون با آن خداحافظي کند. و به هر حال، در حقيقت، شرط وداع اين است که وداع کننده، از فراق وداع شونده اندوهگين و محزون باشد، و وداع کننده، اندوهگين و محزون نخواهد بود، مگر آنکه آن رفيق و هم نشين خود را دوست بدرد، و او را دوست نخواهد داشت مگر اينکه با او مخالفت نکند، و مراقب باشد که در آنچه مورد رضا و محبوب اوست، مطيع و فرمان بر باشد. باري اگر تو به حرمت ماه رمضان و به جاگاه آن نزد پروردگار آگاه باشي، و رفتار نيك و کریمانه اش با خودت را بشناسي، و بداني که حضور چنين مهماني شريفي، موجب مي شود تا تو گرامي شوي و به سودهائي بي پايان دست يابي و به اعلي عليين راه يافته، هم نشين پيامبران و رسولان و ملائکه مقربين گري، با آمدنش بسي خرسند و شادمان خواهي شد، و با رفتنش بسي اندوهگين و افسرده خواهي گشت و در اين موقع است که وداع تو با ماه مبارک رمضان همانند وداع امام سجاد(ع) خواهد شد. و از آن سو نيز ماه رمضان همان گونه که تو با او وداع کردي، با تو وداع خواهد کرد، بلکه او در وداع خویش با تو، بيش از آنچه تو در وداع خود از اندوه و غم آشکار کردي، ظاهر خواهد ساخت؛ چرا که عنايت از جانب مقام عالي، تمام تر وکامل تر از عنايت از سوي مقام داني و پايين خواهد بود.»(13)

پي نوشت ها:

1. نفخش: دميدنش
2. مفرش: فرش.
3. مُحَمَش: خراشيده.
4. مولوي، کليات شمس تبريزي، ص 257.
5. نهج البلاغه، حکمت 428.
6. جمعي از نويسندگان، تفسير نمونه، ج 5، ص 131.

7. میرزا جواد ملکی تبریزی، مراقبات، ج2، صص 122 و 123.
8. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج2، ص. 667
9. جمعی از نویسندگان، دایره المعارف تشیع، ج11، ص. 529
10. طبق روایات خواب در ماه رمضان عبادت محسوب می شود.
11. امام خمینی(ره) جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص. 58
12. امام خمینی(ره) شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، ص. 345
13. مراقبات، ج2، برگرفته از : صص 106، 108، 109، 111 و 112.